



مقام "کره شمالی" در جنگ تجاری "آمریکا" با "دشمنان"

ثریا شاهی

حکمتیست
هفتگی
۲۰۱

۱۲ مارس ۲۰۱۸ - ۲۲ اسفند ۱۳۹۶
دوشنبه ها منتشر میشود

بودند، و تبدیل ناگهانی آنها به "دوستان بی واسطه"، که قرار است بزودی "رو در روی" یکدیگر بر سر مسائل مهم "امنیتی جهان" مذاکره کنند، و توضیح این شیفت در چهارچوب "خلق و خوی" این دو شخصیت، سناریویی هالیوودی و ارزان تر از آن است که کسی را به فکر بیاندازد. ...
صفحه ۲

بلکه ادامه آن در فاز مستقیم تر و آشکارتری است. درک رویدادها از نگاه رسانه های رسمی، تصویر دو رهبر "دیوانه جهان"، "دشمنان خونین و آشتی ناپذیر" دیروز، کسانی که ظاهرا با پروپاگاندهای متقابل چماق "خطر آغاز جنگ اتمی" و "نابودی کره خاکی" را بر فراز سر بشریت بالا نگاه داشته

انتشار خبر ملاقات قریب الوقوع رئیس جمهور آمریکا با رهبر کره شمالی، هرچند با موجی از اظهار شگفتی، نگرانی، ابهام، و بخصوص "شعف" از کاهش خطر نظامی تر شدن منطقه "شرق آسیا" روبرو شد، نه تنها پایان جدالی نیست که دور قبل به بهانه خطر "کره شمالی اتمی" بین آمریکا و این "دشمن" سر باز کرده بود،

عفرین، قربانی "جهان آزاد"،

دمکراسی و حقوق بشر

محمد فتاحی



ظاهرا تمام قلدرهای جهان دل شان برای دمکراسی و حقوق بشر و حقوق ملت ها می سوزد. مگر مردم بیگناه در لیبی، در عراق،

در سوریه و بالکان و ... به اسم همین مقدسات، هدف لطف غرب قرار نگرفتند؟ و مگر نه این است که همه آنها ظاهرا مدافعین سرسخت "تعیین سرنوشت مردم به دست خویش" اند؟ مگر نه این است که تمام کودتاهای آمریکا در طول تاریخ به اسم دفاع از دمکراسی و مردم بوده است؟ مگر همین امروز میدیای رسمی آنها مبلغین ظاهرا پرشور دفاع از حق و حقوق زنان و مردان در چهارگوشه این جهنم نیستند؟ مگر بزرگترین غم شبانه روزی امثال دستگاههای بی بی سی و صدای آمریکا تامین دمکراسی در جوامع دیگر نیست؟ مگر نه این است که سازمان ملل شان تمام قطعنامه هایش را به اسم دفاع از حقوق بشر و ممانعت از کشتار و جنگ صادر میکند؟

و راستی اگر چنین است، چرا و به کدامین دلیل، صف بی انتهای قلدرهای بزرگ و کوچک جهان امروز در مقابل وحشیگری ترکیه در عفرین ساکت و تماشاچیان متین آزمایش مدرن ترین تسلیحات ناتو در یک شهر کوچک این جهانند؟ آیا عفرینی ها به جایی حمله کرده اند؟ ... صفحه ۳

گزارشی از مراسم های ۸ مارس در خارج کشور

تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست - خط رسمی

چهل سال حاکمیت سیاه اوباش اسلامی نه فقط از نفس نیفتاده که هر سال ... صفحه ۴

گوشه هایی از جنبش عظیم رهایی زن و برابری طلبی در ایران بود. جنبشی که علیرغم

امسال، روز جهانی زن در ایران شاهد حضور جنبش دفاع از حق زن بود. از تجمعات اعتراضی و سمینارها و کنفرانس ها در رابطه با بی حقوقی زن در جمهوری اسلامی، ضرورت سازمانیابی زنان و بویژه زنان کارگر، از ضرورت اتحاد جنبش حق زن و جنبش کارگری برای ایجاد تغییراتی بنیادی در جامعه، تا حضور دختران جوان در متروها، پارکها و مجامع عمومی در اعتراض به بی حقوقی زن و برداشتن حجاب های اجباری و ... همه و همه



آزادی
برابری
حکومت کارگری

مقام "کره شمالی" ...

این شیفت سریع و ظاهر غیر مترقبه، تنها تغییر شکل "یک جنگ جاری معین" از شکل و فازی به شکل و فاز دیگری است. شیفتی که بیانگر عقبنشینی هیئت حاکمه آمریکا است، آنهم نه در مقابل کره شمالی و رهبر آن، که شکست از تلاش برای راه اندازی جنگ نیابتی جدیدی در شرق آسیا، و در مقابل قدرت های اقتصادی اصلی، و متحد دیرروز آمریکا.

این ملاقات و "آشتی" بیانگر این واقعیت است که سیاست هیئت حاکمه آمریکا از راه اندازی جنگ نیابتی بین دو کره شمالی و جنوبی، که قرار بود به نیابت از آمریکا چین را تحت فشار قرار دهد و با تخریب و میلیتاریزه کردن محیط جغرافیایی چین، اصلی ترین رقیب و دشمن اقتصادی آمریکا را از میدان بدر کند، شکست خورده است!

در "شرق آسیا"، متحدین قدیمی آمریکا، کره جنوبی و چین و ژاپن، پس از تجربه شکست سیاست آمریکا در خاورمیانه، بر سینه تکرار همان تجربه شکست خورده این بار در شرق آسیا، دست رد گذاشتند! شرق آسیا، برخلاف خاورمیانه که پس از پایان

جنگ سرد، دهه ها کانون و حیات خلوت حل و فصل رقابت ها و معضلات بورژوازی غرب بود، امروز نه تنها متحد و دنباله رو بی قید و شرط سیاست های امپریالیستی آمریکا (این قدرت اول و برنده جنگ سرد) نیست که خود جغرافیای تحت کنترل قدرت های اقتصادی و نظامی جدید و از رقبای اصلی آمریکا است.

از نقطه نظر تقابل ها و رقابت ها در صف بورژوازی حاکم بر جهان، "خاورمیانه" کردن شرق آسیا، تقابل و جدال مستقیم با یکی از اصلی ترین قدرت های منطقه و جهان، یعنی چین است. امری که دامنه آن پای سایر قدرت های مدعی شراکت در کنترل اقتصادی و نظامی و سیاسی بر جهان، قدرت های اروپایی، روسیه و اروپا و .. را هم به میدان می کشد.

این گره گاهی است که سیاست پیشین و امروز، دشمنی و آشتی آمریکا با کره شمالی را به جدال اقتصادی و مستقیم اخیر آمریکا با چین وصل می کند. این ها، هر دو، یک سیاست و یک راه تلاش بورژوازی آمریکا برای خروج از بن بست ناتوانی در حفظ موقعیت برتر اقتصادی خود، بر جهان سرمایه است.

جنگ تجاری جدید آمریکا با ورود فولاد و آلومینیوم به آمریکا، که مستقیماً صدور فولاد از چین به آمریکا را نشانه گرفته است، و اقتصاد اروپا را هم بشدت در مقابل خود قطبی کرده است، با صدای بلند "حکمت" و "فلسفه" همه تقابل های نظامی و سیاسی و "حقوق بشری" با کشورهای حاشیه ای و محور شر تراشی ها و جنگ های نیابتی قریب سه دهه گذشته را به زبان خود بازگو میکند.

بهبانه، نجات اقتصاد "ملی" و صنایع داخلی آمریکا در مقابل سیلاب محصولات ارزان تولید چین است.

واقعیت اما، ناتوانی اقتصاد آمریکا در رقابت اقتصادی با رقبای جدید، بخصوص چین است. همه ماشین میلیتاریستی و ارباب سیاسی و ایدیولوژیک و ... سه دهه گذشته نتوانست معضل و مشکل اقتصاد بورژوازی غرب و در راس آن آمریکا را، که مشکل آن فقدان الگوی رشد است، حل کند.

معضل بورژوازی غرب، و در راس آن آمریکا، فقدان قدرت رقابت با اقتصاد های جدید تماماً متکی به کار ارزان و کارگر ساکت، و در راس آنها چین است.

بورژوازی آمریکا سه دهه است که برای حفظ سلطه و

سرکردگی بر جهان یک قطبی بعد از جنگ سرد، و تحمیل سرکردگی خود بر جهان چند قطبی امروز، ناتوان بوده است.

بالا گرفتن جنگ اخیر تجاری دولت آمریکا با ورود فولاد و آلومینیوم از "خارج"، که اساساً برای محدود کردن دامنه قدرت گیری روزافزون اقتصاد چین در مقابل اقتصاد رو به رکود آمریکا صورت میگیرد، امری است که عواقب آن قدرت های اقتصادی دیگر در اروپا، بخصوص آلمان، را هم به میدان می کشاند.

این شکست و این واقعیت، ترامپ و هیئت حاکمه آمریکا را به عقب نشینی از سنگر "جنگ دونالد ترامپ و کیم جونگ اون" و شیف کردن به سمت میدان اصلی جنگ آمریکا با جهان، کشانده است.

در غیاب اعمال اراده مردم تحت حاکمیت ارتجاع های حاکم در سراسر جهان، شکست جنگ های نیابتی در خاورمیانه، و عقیم ماندن ترامپ در بازی با کارت "جدال با کره شمالی"، میتواند دورنمایی به مراتب سیاه تر و تباه تری را در مقابل بشریت بگذارد.

از این زاویه شیفت از یک سیاست ارتجاعی مخرب به سیاست ارتجاعی و مخرب دیگر، و بستن کمترین

امیدی به آن، سرازیر شدن از لبه یک پرتگاه به سمت پرتگاه مهیب تری است.

برخلاف لاف و گراف های دستگاههای تبلیغاتی آمریکا و کره شمالی، مبنی بر پیروزی کره شمالی یا آمریکا، در غیاب دخالت قدرتمند پایین و طبقه کارگر، و در فقدان قدرت گیری جنبش های ضد ارتجاعی، این شیفت در سیاست ارتجاع جهانی می تواند به مراتب مخرب تر و هولناک تر باشد.

این تازه آغاز کار است! جنگ تجاری با چین و بدنبال آن با قدرت های اصلی اروپا، بخصوص آلمان، قدم گذاشتن هیئت حاکمه آمریکا به میدان اصلی جدال سه دهه گذشته بر سر تامین هژمونی اقتصادی و سیاسی و نظامی بر جهان چند قطبی پس از جنگ سرد است. دیگر جنگ های نیابتی نجات شان نخواهد داد.

از نقطه نظر منافع بورژوازی، کمپ بورژوازی غرب برای تامین هژمونی سیاسی نظامی خود بر جهان، و برای حفظ قدرت رقابتی با چین و اقتصادهای روبه رشد متکی به کار ارزان و کارگر خاموش، به تعرضی افسار گسیخته تر به همه دستاوردهای قرن گذشته طبقه کارگر ... ←

مرک بر جمهوری اسلامی!
زنده باد سوسیالیسم!

عفرین ...

کودتایی علیه قلدري کسی در منطقه سازمان داده اند؟ کسی را به گروگان گرفته اند؟ کودکی را بی نان و زندگی کسی را ناامن کرده اند؟ مگر نه این است که اگر تمام جهان جنگ طلب بوده، اینها دست به کلاه خویش گرفته و مشغول زندگی و محافظت از هست و نیست و امنیت خویش بوده اند؟

راستی کسی از خود پرسیده که شرط در امان ماندن زندگی بسیار معمولی مردمی که گوشه ای برای خود زندگی بخور نمی‌ری دارند، چیست؟ آیا رشوه و باج دادنی لازم است؟ و اگر باج دادن به قلدراهی این جهان برای "حفظ امنیت خود" هم مقبول واقع شود، هزینه این باج را با کدامین پیمان می‌شمارند؟ مگر جوانان همین عفرین و خیل دختران و پسران زیبایش، برای حفظ امنیت خویش به امریکا باج نداده و عظیم ترین سهم را در نابودی داعشی که امریکا دیگر نیازی به آن نداشت، ادا

نکردند؟ مگر برای جلب رضایت روسیه پایگاه نظامی اش را در شهرشان پذیرفتند؟ مگر حتی برای پذیرش مطالبات قلدراهی کوچکتر هم گوش شنوا نداشتند؟ این مردم باید کدامین باج ها را به باجگیران بزرگ و کوچک و گردنه بگیرهای این کره خاکی بپردازند تا از کشتار در امان بمانند؟ ظاهرًا در این وسط، قلدري که قرار بود داعش گسترش سلطه اش را تضمین کند، تنها گردنه بگیر ناراضی از سهم خویش است!

قطعًا هم چنین است! ترکیه که برای گسترش سهم خود در پروسه تقسیم مجدد قدرت در خاورمیانه به داعش تکیه داده بود، با شکست آن، نه فقط ناراضی، که از عفرینی ها دل خونینی دارد. مدافعین غیرواقعبین عفرین وجود بهشتی در آن شهر و منطقه را به ما نشان میدهند که گویا مایه ترس تمام حاکمان جهان و منطقه از گسترش آن شده، و گویا سکوت شان از خوشحالی شان است. واقعیت اما چیز

دیگریست؛ ترکیه به هزار و یک دلیل داخلی و خارجی، به دنبال شکست هایش در سوریه از سهم خویش ناراضی است. امریکا که تا تامين نیاز نظامی اش در رقه به عفرینی ها کار داشت، حالا برای ترکیه برای ماندن در ناتو ارزش بالاتری قائل است. روسیه با هدف جدا کردن ترکیه از ناتو، سکوت میکند. جمهوری اسلامی و کل هلال شیعیه در قبال کشتار در عفرین، امتیازاتی از قبل، از ترکیه گرفته اند و سوریه به کوتاه کردن دست عفرینی ها و آرام کردن ترکیه در دل بحران داخلی اش، دل بسته است.

سازمان ملل اینها هم مثل همه طرف های ذینفع راضی و ساکت است. حقوق بشر اینها هم قرار نیست به جز دخالت نظامی و سیاسی در مملکتی به نفع قلدراهی خود، غلطی بکند.

دمکراسی؟ شریک شدن یکسان قلدراهی، در حاکمیت بر جهان، عین دمکراسی اینهاست. جریانی که ظاهر خوش تیپ دول غربی در

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست (خط رسمی)

hekmatist.com

در کنگره نهم حزب حکمتیست (خط رسمی)

شرکت کنید

کنگره نهم حزب حکمتیست (خط رسمی) در نیمه دوم آوریل ۲۰۱۸

در اسکاندناوی بطور علنی برگزار میشود.

شرکت در کنگره نهم حزب برای عموم آزاد است و همه علاقمندان میتوانند در کنگره حضور یابند.

ما همه احزاب، شخصتهای سیاسی - اجتماعی و ... را به شرکت در کنگره نهم دعوت میکنیم. شرکت در کنگره حزب فرصت مناسبی برای حضور در بالاترین اجلاس حزب و آشنایی از نزدیک با حزب، سیاستها، مباحث و اولویتهای حزب است. این مهم خصوصاً در شرایط متحول و تعیین کننده امروز که خیزش نوته ای دوره اخیر استعمار شدگان و محرومین جامعه ایران، یک بار دیگر ضرورت سرتکونی جمهوری اسلامی را به عنوان قدم اول در راه هر نوع بهبود زندگی و رفاه و آزادی را به اصلی ترین مسئله سیاسی روز تبدیل کرده است، جایگاه ویژه ای دارد.

جهت ثبت نام و دریافت جزئیات بیشتر لطفاً با ای میل زیر تماس بگیرید.

hekmatistparty@gmail.com

وروده برای هر نفر، برای دو روز جلسه و بانسیون کامل معادل ۱۰۰ پوند انگلیس است.

حزب کمونیست کارگری حکمتیست (خط رسمی)

۲۳ بهمن ۱۳۹۶ - ۱۲ فوریه ۲۰۱۸

لباس دمکراسی را هنوز نشان دفاع شان از حق و حقوقی در جایی در این جهنم معرفی میکند، فقط یک شیاد و شارلاتان سیاسی است که میخواهد کالای بنجلش را به همین عنوان به عوام بفروشد.

امروز دمکراسی و حقوق بشر و حقوق ملل و بقیه کالاهای پوسیده "جهان آزاد" همین اند که می بینیم. تمام صف جنایتکاران

آن بوده است، در این جنگ تجاری و اقتصادی، که بیش از هر چیز بر سر تحمیل بردگی به مراتب خشن تری بر او و خانواده اش است، دخالت نخواهد کرد و ورق را بر نخواهد گرداند؟ رویداد ها گواه شکل گیری رویارویی ها و تقابل های طبقاتی و بنیادی تری در امریکا و اروپا است.

مدل رشد اقتصادی به شیوه چین و بنگلادش و پاکستان و هند و ... است! این معضل اقتصاد امریکا است! مدلی که بی حقوقی مطلق طبقه کارگر، گرسنگی و ارزانی مطلق قدرت جسمی و قکری این طبقه، از کودک و بزرگ و سالمند و معلول و سالم، شرط شکوفایی و توسعه آن

چین را بپردازند، به میدان بکشاند. این واقعیت می‌تواند طبقه کارگر در امریکا و اروپا را در دفاع از دستاوردهای خود، برای مقابله با تحمیل اختناق و حراج شدن بیشتر نیروی کارش، به میدان بکشاند. بورژوازی در سطح جهان امروز تنها و تنها متکی به

مقام "کره شمالی" ... در امریکا و اروپا، نیاز دارد. جنگ تجاری امریکا با چین، بیش از هر چیز جدال را به خود جامعه امریکا می کشاند. این جنگ می‌تواند محرومین و طبقه کارگر در امریکا را که باید تاوان رقابت بورژوازی خودی با

نشریه حکمت**حزب حکمتیست (خط رسمی)****www.hekmatist.com**

سر دبیر: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

تلگرام حزب

@HekmatistXateRasmi

تماس با حزب

دبیرخانه حزب

hekmatistparty@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

Khaled.hajim@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

مسول تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

مسول دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی

mozafar.mohamadi@gmail.com

گزارشی از ۸ مارس ...
 قدرتمند تر و جسورتر از گذشته نه تنها قوانین اسلامی حاکم بر جامعه ایران، که بعلاوه کل فرهنگ و سنت، مردسالار و عقب مانده و ضد زن را به جنگ میطلبد. جنبشی که امسال رساتر از همیشه "نه" به حاکمیت جمهوری اسلامی و دفاع از برابری کامل زن و مرد را با سرود، با شعار، با گامهای استوار خود به گوش جهانیان رساند.

کشورهای مختلف اروپایی، آلمان، سوئد، انگلیس و نروژ، صدای این جنبش برابری طلبانه بود. فعالین حزب با شرکت خود در تجمعات اعتراضی ۸ مارس در کشورهای مختلف، با سخنرانی ها و ... با منعکس کردن ابعاد عروج این جنبش عظیم برابری طلبانه، نماینده این "نه" به حاکمیت جمهوری اسلامی" و مبارزه برای برابری و رهایی زنان در ایران بودند.

@HekmatistXateRasmi

https://
 www.facebook.com/Hekmatist--
 639439856158516

زنده باد ۸ مارس

زنده باد آزادی، برابری،

حکومت کارگری

تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست (خط رسمی) با حضور فعال خود در مراسمهای ۸ مارس در

برابری زن و مرد؛

ممنوعیت تبعیض بر حسب جنسیت

نفس ستمکشی و فرودستی زن اختراع سرمایه داری نیست. اما سرمایه داری این میراث نفرت انگیز تاریخ پیشین را تکامل بخشیده و به یک رکن مناسبات اقتصادی و اجتماعی معاصر بدل کرده است. ریشه نابرابری و بی حقوقی امروز زن، نه در افکار کهنه و میراث فکری و فرهنگی نظام ها و جوامع منقرض شده و پیامبران و مذاهب عصر جاهلیت، بلکه در جامعه سرمایه داری صنعتی و مدرن امروز نهفته است. نظامی که به تقسیم جنسی انسان ها در قلمرو تولید به عنوان یک عامل مهم اقتصادی و سیاسی در تضمین سودآوری سرمایه مینگرد. ایجاد انعطاف پذیری نیروی کار در اشتغال و اخراج، ایجاد شکاف و رقابت و کشمکش درونی در اردوی مردم کارگر، تضمین وجود بخش های محروم تر در خود طبقه کارگر که پائین نگاهداشتن سطح زندگی کل طبقه را مقدور میسازد و بالاخره مخدوش کردن خودآگاهی انسانی و طبقاتی بشریت کارگر و دوام بخشیدن به آراء و افکار و تعصبات کهنه و پوسیده و فلج کننده، برکات ستمکشی زن برای سرمایه داری مدرن معاصر و از ارکان انباشت سرمایه در دنیای امروز است. اعم از اینکه سرمایه داری ذاتا و بطور کلی با برابری زن خوانایی داشته باشد یا خیر، سرمایه داری انتهای قرن بیستم بطور مشخص خود را بر این نابرابری بنا کرده است و به سادگی و بدون مقاومت سرسختانه و قهرآمیز از آن عقب نمی نشیند. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست برای برابری کامل و بدون قید و شرط زن و مرد در کلیه شئون مبارزه میکند. ...

یک دنیای بهتر؛ برنامه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)

زنده باد انقلاب کارگری!